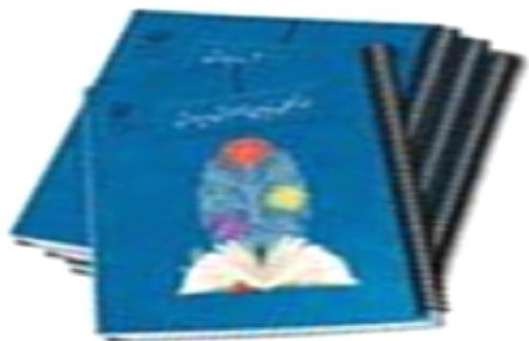




جلسه ۹۹.۲.۹
چگونگی تربیت رسمی و عمومی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی

دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر

مدرس: فرشته حلت
نیم سال دوم ۹۹-۹۸

تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی

فلسفه تربیت چهاربخش داشت مبانی، چرایی و چگونگی در این بخش به بررسی چگونگی می پردازیم:

چگونگی دو نوع داریم: یک مورد اینکه چگونگی جزئیات اجرا را می گوید. مورد دوم این است که چگونگی از نوع باید ها و نبایدهای کلی که در باید در این فرایند رعایت شود. در اینجا به نوع دوم پرداخته می شود که باید ها و نبایدها، ضوابط کلی در راستای تحقق هدف و قواعد، معیارها در چهارچوب اصول بیان می گردد.

مفهوم چگونگی، ناظر به نحوه عملی شدن جریان تربیت رسمی و عمومی، در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است. که به چند موضوع خردتر اما مهم و اساسی تحلیل می شود که عبارت اند از:

■ اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

■ الگوهای نظری، اصول - رویکردهای حاکم بر ساحت های تربیت

■ ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی

تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی

نکته مهم این است که بحث چگونگی در این افق یعنی افق تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی دارای ماهیت نظری است اگرچه می توان گفت با شیبی ملایم به عرصه عمل چشم دوخته است.

نظام تربیت رسمی و عمومی، به منزله یک نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته ، متولی تحقق شایسته جریان « تربیت رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، ساماندهی و اجرا، نظارت، ارزشیابی و اصلاح است . این نهاد، مشتمل بر مجموعه ای از بخش های اصلی و عناصری است که علاوه بر کارکرد ویژه، در جهت تحقق رسالت و اهداف نظام و بهبود جریان تربیت در ساحت های مختلف، با هم دیگر در تعامل اند . کارکرد هماهنگ بخش ها و اجزای متعدد نظام تربیت رسمی و عمومی و تعامل سازنده آن ها با یکدیگر و با سایر عوامل سهیم و تأثیرگذار در جهت تحقق اهداف و رسالت آن، مستلزم اتکا بر اصولی معین(قواعد وملاک هایی مشخص وسازگار برای راهنمایی عموم سیاست گذاران وکارگزاران این نهاد)است.

■ اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی (در واقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای تعیین سیاست ها، طراحی برنامه ها و هدایت عمل کارگزاران تربیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی قرار می گیرند و از اصول کلی حاکم بر جریان تربیت و مبانی برشمرده تربیت رسمی و عمومی استنباط شده اند؛ لذا در تمامی سطوح تصمیمگیری و عمل تربیتی کاربرد دارند و همه مولفه ها و اجزای این جریان گسترده را در راستای تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای آن هماهنگ می کنند. بر این اساس می توان گفت اصول تربیت رسمی و عمومی از یک منظر شامل دو دسته اصول است:

➤ اصول ناظر به روابط درونی بخش ها و اجزای نهاد تربیت رسمی و عمومی

➤ اصول ناظر به روابط بیرونی این نهاد با دیگر عوامل سهیم و تأثیرگذار بر فرایند تربیت

اصول ناظر به روابط درونی شامل این موارد است که به تشریح هریک از موارد می پردازیم:

🌸 انطباق با نظام معیار اسلامی

دین به مثابه «آیین حیات طیبه» بر همه شئون و سازو کارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیر می گذاردیکی از سازو کارهای اجتماعی فرایند تربیت رسمی و عمومی است که زمینه ساز تحقق حیات طیبه است.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

انطباق با نظام معیار اسلامی

از این رو به طریق مناسب تری ضرورت دارد با مبانی و ارزش های اساسی دین متناسب، هماهنگ یا منطبق باشد. مقصود از نظام معیار اسلامی، مجموعه ای منسجم از مبانی و ارزش های برگرفته از منابع معتبر دین اسلام و یا متناسب با آنها است که پذیرش این مجموعه و رعایت عملی آن در همه ابعاد و شئون زندگی وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی رایج غیردینی (سکولار) محسوب می شود.

باید توجه داشت که نظام معیار اسلامی، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزشهای ناظر به همه ی ابعاد زندگی انسان است که نه تنها همه آنها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش برخی از ارزشهای اخلاقی و اساسی این نظام معیار دینی متوقف به شناخت و انتخاب دین حق نیز نیست. (زیرا عقل سالم و فطرت الهی فعال در وجود هر انسان نسبت به این گونه ارزش ها بطور مستقل حکم می کند هر چند دین هم آنها را تایید می کند).

مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارتند از:

- سازگاری سیاست ها و برنامه ها و روش های تربیت رسمی و عمومی با نظام معیار اسلامی
- اولویت تربیت اعتقادی و عبادی در برنامه های تربیت رسمی و عمومی برای زمینه سازی انتخاب و التزام اختیاری و آگاهانه نظام معیار اسلامی

- اولویت تربیت اخلاقی در تمام برنامه های درسی تربیت رسمی و عمومی

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

عدالت تربیتی

عدالت تربیتی

عدالت ارزشی فراگیر است که باید در تمامی جنبه ها و شئون حیات اجتماعی تجلی داشته باشد و تمامی سازو کارهای اجتماعی در راستای آن حرکت کنند. تربیت رسمی و عمومی نیز شامل این قاعده عام است.

عدالت تربیتی در تربیت رسمی و عمومی مجموعه سازو کارهایی است که همه آحاد جامعه بتوانند از فرصت هایی مناسب برخوردار شوند تا شایستگی های پایه و ویژه را کسب کنند و در این راه گروه بندی های اجتماعی و طبیعی مانند: جنسیت، نژاد، قومیت، محل زندگی، و وضعیت جسمانی دین و مانند این موارد مانع این برخورداری نشوند. لذا کارگزاران تربیت باید نسبت به عدالت تربیتی حساسیت داشته باشند.

مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی به شرح زیر است:

- ایجاد فرصت حضور در تربیت رسمی برای فرزندان آحاد جامعه، صرف نظر از ویژگی های فرهنگی، قومی، دینی و اقتصادی
- فراهم کردن فرصت های برابر دسترسی به تربیت عمومی و رسمی (برابری در توزیع منابع و امکانات برای تمامی آحاد جامعه)
- ارائه تربیت عمومی و رسمی با کیفیت قابل قبول
- توجه تربیت عمومی و رسمی به تفاوت های متربیان در سطح فردی و خانوادگی و اجتماعی

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

عدالت تربیتی

این اصل ناظر به مسئله مهم تفاوت‌های فردی و توجه به هویت ویژه متربیان نیز هست. بر این اساس نظام تربیت رسمی و عمومی تلاش می‌کند در کنار تأکید بر کسب شایستگی‌های پایه، برای تکوین هویت مشترک به زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌های ویژه نیز همت گمارد.

• تنوع بخشی به فرصت‌های تربیتی، متناسب با استعداد‌های مختلف متربیان

• توجه به نیازهای ویژه تربیتی گروه‌های مختلف آحاد اجتماع، با توجه به تفاوت‌های فردی

بر اساس مبانی روانشناختی پذیرفته شده، گاهی تفاوت‌ها و شباهت‌های آحاد متربیان به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را در گروه‌هایی دسته‌بندی کرد و خدمات تربیتی ویژه و کیفی‌تری به آن‌ها ارائه کرد. برای مثال می‌توان از گروه‌هایی مانند متربیان با استعداد ویژه، متربیان دارای ناتوانایی‌های ذهنی و جسمی، متربیان محروم از تحصیل، متربیان دور از وطن، متربیان محروم از خانواده نام برد.

• توجه هماهنگ و متعادل به همهٔ ساحت‌های تربیت

• برقراری روابط عادلانه و منصفانه در محیط مدرسه که زمینه‌ای برای شکل‌گیری فضیلت عدالت در متربیان و شکل‌گیری فضائل و توانمندی‌های اخلاقی دیگر در آنان است.

• برقراری عدالت جنسیتی از طریق توجه به شباهت‌های حداکثری و تفاوت‌های حداقلی جنسی و جنسیتی در برقراری فرصت‌های تربیتی

• برقراری روابط عادلانه در محیط‌های سازمانی و مدارس بین معلمان و مدیران

۱- عدالت در عرصه جنسیت عبارت است از این که هر فرد انسانی به شرایط و امکاناتی دسترسی داشته باشد که قادر باشد ظرفیت وجودی خودش (مشترک و ویژه «جنسی و جنسیتی») را در سه عرصه‌های

فردی، خانوادگی و اجتماعی محقق نماید. به گونه‌ای که در جامعه هردو جنس بتواند در تعالی جامعه نقش کامل کنندگی خود را ایفاء کنند.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی

مهم ترین مؤلفه قوام بخش هر جامعه ، انسجام است . بدون وجود این فرایند، آحاد و گروه هایی که در یک تجمع انسانی گرد هم آمده اند، تداوم و استمرار نخواهد داشت . لذا پیش فرض تحقق حیات طیبه و جامعه صالح ایجاد انسجام است . نهادها و بخش های مختلف جامعه با وجود تفاوت در کارکرد های ویژه و اهداف و اغراض در راستای انسجام اجتماعی حرکت می نمایند . از این رو انسجام اجتماعی اصل حاکم بر کلیه فرایندهای تربیت است . یکی از عوامل انسجام بخش شکل گیری هویت ملی است . هویت ملی بخشی از مفهوم هویت است که عبارت است از آن ویژگی یا ویژگی هایی که ملت ها را قابل شناسایی می کند و ابزاری است برای برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی . به طور کلی عناصری که به شکل گیری هویت ملی کمک می کنند عبارت اند از : سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، حکومت و دولت، نژاد و قومیت، سنت ها و آیین ها، میراث فرهنگی، اسطوره ها و قهرمانان . که از لایه های جمعی هویت متربیان است، باید در همه مراحل ، «هویت ملی» با توجه به ضرورت پرداختن به تربیت رسمی و عمومی بهره مندی از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و ارتقای آن در تعامل با سایر فرهنگ ها مد نظر قرار گیرد . در این خصوص با عنایت به مفاد قانون اساسی، زبان و ادب فارسی تجلی بخش وحدت ملی و زمینه ساز شکل گیری هویت ملی متربیان خواهد بود .

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی انسجام اجتماعی

اهم مصادیق این اصل عبارتند از:

- تأکید بر عناصر وحدت ملی مانند زبان و ادب فارسی و تاریخ و فرهنگ ایرانی - اسلامی و نمادهای دیگر هویت بخش در راستای شکل گیری هویت مشترک ملی.
- تأکید بر همزیستی مسالمت آمیز و توأم با تفاهم پیروان ادیان، مذاهب و اقوام در کشور و جهان .
- وحدت در سیاست گذاری و تصمیم گیری کلان عناصر نظام تربیت رسمی و عمومی.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

تنوع و کثرت

تنوع و کثرت

از منظر انسان شناسی و روان شناسی تفرد، تنوع و تفاوت درنوع بشر واقعیتی در خور توجه است. خداوند در سوره حجرات، آیه سیزدهم می فرماید: "ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا بایکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست؛ بی تردید خداوند دانای آگاه است." سیاق این آیه از آن حکایت دارد که تفاوت و تنوع در ابنای بشر امری طبیعی و سودمند است. از این رو، این واقعیت باید در جمیع جهات خود در فرایند تربیت نیز مورد توجه قرار گیرد.

از منظر جامعه شناسی در کنار فرایند انسجام بخشی، فرایند تمایز یافتگی نیز رخ می دهد. این فرایند نیز طبیعی است و ناظر به شکل گیری هویت های متمایز آحاد و گروهها، اقشار مختلف جامعه و خرده فرهنگ هاست. از این رو تفاوت و تمایز و تنوع در حیات انسانها به اندازه تشابه واقعیت دارد و جامعه نیز باید آن را به صورت یک ضرورت در نظر بگیرد. تربیت رسمی و عمومی نیز، که یک جریان مهم و فرهنگی جامعه تلقی می شود، باید این واقعیت را بر ساز و کارهای خود حاکم سازد.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی تنوع و کثرت

مصادیق این اصل عبارت اند از:

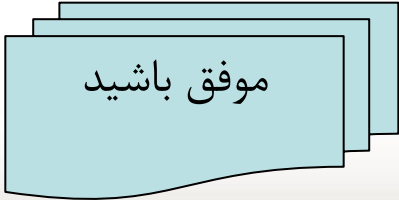
- قبول تنوع و تكثر در چهارچوب اصول (در مقام برنامه ریزی و اجرا)
- تأکید بر حفظ و بالندگی خرده فرهنگ ها
- تنوع و کثرت گرایی روشی در مواجهه با مسائل و مشکلات نظام تربیت رسمی و عمومی
- تنوع بخشی به موقعیت ها و فرصت های تربیتی در چهارچوب اهداف تربیت رسمی و عمومی با هدف بهره گیری از موقعیت های بالقوه موجود در جامعه و ایجاد فرصت های جدید با استفاده از امکانات موجود
- توجه به زمینه سازی برای شکل گیری هویت های ویژه مخصوصاً هویت فردی جنسی/جنسیتی متربیان در کنار هویت مشترک

منابع و فعالیت

- باقری، خسرو (۱۳۸۸) الگوی مطلوب یادگیری در جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷) درآمدی به فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران ج اول، انتشار علمی فرهنگی.
- آراسته، رضا (۱۳۴۸) تجزیه و تحلیل تعلیم و تربیت ایران، مقالات و سخنرانی های تربیتی، انتشارات دهخدا.

فعالیت:

- تحلیل یک موقعیت تربیتی (برنامه-طرح) و بررسی آن از منظر هدف تربیت رسمی و عمومی



موفق باشید